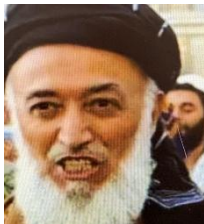


مسئولیت متن و شکل بدوش نویسنده مضمون میباشد، عقیده نویسنده لزوماً نظر افغان جرمن آنلاين نمی باشد

۲۰۲۶ / ۶ / ۲۰

کاندید اکادميسين سيستانى

نهادهای اکادمیک نباید بنام مجرمین جنگی نام نامگذاری شوند !



هرگاه در نظر باشد تا یکی از نهادهای بزرگ تحصیلی و علمی کشور، مثل: پوهنتونها، شهرها و یا بنادر تجارتي و یا میدان های هوایی بنام یکی از شخصیت های ملی یا علمی، نظامی یا سیاسی کشور نام گذاری شود، باید چنین شخصیت هایی برای مردم معرفی گردند که آنها دارای چی خصوصیات و ویژه گی های میباشدند که سائر مردم عادی آن خصوصیات را ندارند ؟

بطور مثال، یک شخصیت علمی، باید در حیات خود دست به تألیف و نوشتن آثاری زده باشد که هم از لحاظ کیفیت و نیز از نظر کمیت خود در کشور بی نظیر یا کم نظیر باشد و برای بیداری و تحرک جامعه به پیش مردم را کمک نماید و اما شخصیت ملی باید کسی باشد که هیچگاهی در خدمت سرویس های اطلاعاتی بیگانه و خودی نبوده و هرگز برای کسب قدرت و یا انحصار قدرت برفرق ملت خود نکوبیده باشد. کار های بزرگ و نیکی را به نفع مردم و کشورش انجام داده باشد و نتیجه کارش به حال مردم مفید و الگو ثابت شده و در میان مردم کشور خود از محبوبیت خاصی بر خوردار باشد.

نامگذاری پوهنتون تعلیم و تربیه بنام برهان الدین ربانی (کسیکه در تمام گزارش های سازمان نظارت بر حقوق بشر در افغانستان، نامش در لست مجرمین جنگی قبل از نام های عبدالرشید دوستم؛ محمد محقق، کریم خلیلی، اسماعیل خان و قسیم فهیم و سیاف و عطا محمد نور و غیره با خط درشت جلب توجه میکند)، سبب عکس العمل شدید محصلان و استادان پوهنتون تعلیم و تربیه کابل و سایر نهاد های مدنی گردید و کم از کم مدت یک ماه نظام تدریسی تحصیلات عالی را تقریباً فلج نمود.

عکس العمل شدید مردم و محصلین آن پوهنتون در برابر این نام گذاری به یک بحران بزرگ تحصیلی مبدل گردید و از آغاز ماه اکتوبر (۲۰۱۲) تا مدتها، تمام موسسات تحصیلات عالی را متاثر ساخت و نظام درسی را در پوهنتون تعلیم و تربیه کابل بکلی مختل کرد.

هر چند که این نام گذاری بخاطر کم کردن رد پای مجرمین جنگی از نزد نهادهای مدافع حقوق بشر و محققین « پروژه عدالت انتقالی » صورت گرفته است، مگر چنین نامگذاریهای از دید تیز بین تاریخ پنهان نمی ماند و تاریخ بر اعمال خوب و بد انسانها بدون ملاحظاتی زبانی و قومی و ستمی و مذهبی قضاوت خود را میکند و در باره ربانی این قضاوت را قبلاً کرده است.

مردم و منسوبان موسسات تحصیلات عالی، اعم از استادان و محصلان بخوبی میدانند که در پوهنتون تعلیم تربیه و سایر پوهنتون های افغانستان، شاگردانی مصروف تحصیل هستند که پدر،

د پانو شمیره: له ۱ تره

افغان جرمن آنلاين په درنښت تاسو همکارۍ ته رابولي. په دغه پته له مور سره اړیکه ټينگه کړئ maqalat@afghan-german.de

یادونه: دلیکنی د لیکنیزې بڼې پازوالی د لیکوال په غاړه ده، هیله من یو خپله لیکنه له رالیولو مخکې په خیر و لولئ

مادر، برادر، خواهر، کاکا، ماما، ویا یکی از وابستگان نزدیک خود را بر اثر جنگها و آدمکشی های تنظیمهای جهادی در دهه ۹۰ قرن بیستم از دست داده اند. و یکی از رهبران قسی القلب و خون ریز این تنظیمها، برهان الدین ربانی بود. این اقدام حکومت، یک ظلم نه که یک جفای نابخشودنی در حق ملتی است که زن و مرد و کودک و پیر و کهنسال آن شاهد ویرانگری و غارت و چپاول و کشت و کشتار افراد تحت فرمان ربانی بوده اند.

استادان چهار پوهنتون کابل همراه با محصلان پوهنتون تعلیم و تربیه و نمایندگان جامعه مدنی در یک گردهم آئی در کابل بصورت یک اجماع علمی از خواست برحق محصلان پوهنتون تعلیم و تربیه حمایت کرده طی یک ابلاغیه به حکومت افغانستان هوشدار دادند که نباید عرصه پوهنتون را با نام ربانی آلوده نماید، در غیر اینصورت استادان پوهنتونهای افغانستان نیز به حمایت از محصلان پوهنتون تعلیم و تربیه دست به اعتصاب و اعتراض خواهند زد و عرصه تدریس در موسسات عالی را مختل خواهند نمود.

مردم فراموش نکرده اند که همین برهان الدین ربانی بود که حکومت چهار ماهه ساخت پاکستان خود را با توطئه و نیرنگ به چهار سال تمدید کرد و در این مدت شهر تاریخی کابل و قصر پرشکوه دارالامان را به خاکدان مبدل نمود و دومیون جمعیت کابل را بازهم دربدر و آواره دیار بیگانگان نمود.

در زمان ربانی، تجاوز و اختطاف زنان و دختران جوان و گروگان گرفتن زنان شوهردار توسط قوماندانان تنظیم های جهادی به اوج خود رسیده بود. در زمان همین ربانی بود که دختری بنام ناهید برای نجات عزت و شرف خود از دست تجاوز تفنگداران جمعیتی، خود را از منزل ۶ مکروریان سوم بزیرانداخت و بلافاصله جان داد، و وقتی مردم جنازه او را برشانه ها گرفتند و بسوی ارگ ربانی براه افتادند تا آن را برخ حکومت داری اوبکشند، تشییع جنازه آن دختر با عفت، نارسیده به چهاراهی آریانا با فیرتفنگ و ماشیندار قوای دولتی استقبال گردید و چند زخمی دیگر برجای گذاشت. در عهد حکومت ربانی تنظیم های جهادی بنام پاسداری از شریعت اسلامی، مردم مسلمان تحت ساحه تنظیم مخالف خود را به توپ و راکت و بمباران بستند، بر زنان گروه های مخالف خود تجاوز دسته جمعی نمودند. پستان زنان هموطن مسلمان گروه مخالف را بریدند و بر سر مسلمانان منسوب به گروه یا قوم دیگر افغان میخ های شش انچه کوبیدند و شکم دریدند و نعش مخالفان را از چنگگ قصابی آویختند و زنان شوهردار را بزور به نکاح فرماندهان خود در آوردند!! ربانی (برهان الدین) رهبر تنظیم جمعیت اسلامی، که از سالی ۱۹۹۲ تا ۱۹۹۴ به حیث رئیس دولت اسلامی در افغانستان کار کرده، امتحان خود را به مردم افغانستان داده است. این شخص هیچگونه صفات و اهلیت و شایستگی یک شخصیت ملی را در خود ندارد.

در کتاب خجالت التواریخ تنظیمهای هفت گانه ساخت پاکستان آمده است که پروفیسر ربانی اردوی ملی را منحل کرد و تجهیزات نظامی از قبیل صدها وسایط زرهی و تانک و توپ و طیارات اردوی ملی افغانستان را که صدها میلیاردالر ارزش داشتند، به پاکستان تسلیم داد و یک تعداد را به تاجیکستان انتقال داد و کس ندانست که پول قیمت آن وسایط را به حساب شخصی خود انتقال داد یا اصلاً پولی به او ندادند؟

مارک جمیز Mark Jems ژورنالیست امریکایی در کتاب: **طلای زرد** Gloden Yellow؛ ترجمه

نور اقا ولیزاده،

چگونگی انحلال اردوی جمهوری افغانستان میان برهان الدین ربانی رئیس جمهور حکومت مجاهدین و جنرال وحید لوی درستیز پاکستان:

در پروتوکول رسمی، شماره کود: (۰۰۰۴۵۸ - PO/۱۴۰۰۰/۲۲۲-PLHC) اسلام آباد پاکستان ۷ جولای ۱۹۹۲ میلادی درج است و پروتوکول شامل این نکات است:

۳- تسلیم دهی راکت های اسکات به جمهوری اسلامی پاکستان که از طرف شوروی برای اردوی جمهوری دموکراتیک افغانستان توزیع گردیده بود تا خاک پاکستان را مورد اصابت قرار دهد چون شوروی دیگر حاضر نیست که مواد سوخت و بقیه لوازمات آنرا به افغانستان کمک کند و از جهت دیگر پاکستان علاقه ندارد تا این راکت ها توسط تنظیم های که مورد حمایت جمهور اسلامی ایران در افغانستان میباشد و تسلیم دهی آن به کشور ایران صورت گیرد.

۴- تسلیم دهی تماما طیارات جیت های جنگی فعال و غیر فعال طیارات ترانسپورتهای فعال و غیر فعال هلیکوپتر های فعال و غیر فعال قوی هوایی که توسط شوروی برای اردوی جمهوری دموکراتیک افغانستان توزیع گردیده بود و تسلیمی آن به ارتش جمهوری اسلامی پاکستان.

۵- انعده وسایط های زره دار فعال و غیر فعال که شامل تانک ها ، زره پوش ها ، و عراده جات ثقیل که اردوی جمهوری افغانستان مورد حمایت شوروی داشت تسلیم دهی آن به ارتش جمهوری اسلامی پاکستان.

۶- در تشکیل جدید اردوی حکومت اسلامی افغانستان مشاورین نظامی ارتش پاکستان برای تعلیم ، تربیه و آموزش نظامی به پرسونل اردوی حکومت اسلامی افغانستان شامل این پروتوکول بوده و بعد از امضاء طرفین مدار اعتبار است.

۷- حکومت اسلامی پاکستان از هر گونه پروتوکول نظامی کشور هند به همراهی حکومت اسلامی افغانستان آنرا خلاف قوانین خود دانسته و اجازه نمی دهد که هند دشمن پاکستان در امور کشور مسلمان و برادر افغانستان دخالت داشته باشد.

۸- حکومت اسلامی پاکستان همچنان به خود اجازه نمی دهد تا جمهوری اسلامی ایران همانند هند در مسایل سیاسی، نظامی حکومت اسلامی افغانستان مداخله نماید.

۹- افسران عالی رتبه ارتش پاکستان این را بخود اجازه می دهد که بدون کدام ممانعت هر وقت و هر زمان در تعیینات افسران عالی رتبه اردوی اسلامی افغانستان نقش بارز داشته و از صلاحیت های خود میدانند.

۱۰- این پروتوکول بعد از امضاء نخست وزیر جمهوری اسلامی پاکستان جناب نواز شریف و برهان الدین ربانی ریس جمهور اسلامی افغانستان منحیث سند رسمی اعتبار داشته و دارای ۱۰ ماده که درج این پروتوکول است مورد قبول و تایید مقامات عالی رتبه طرفین میباشد.

محل امضاء: نواز شریف صدراعظم جمهوری اسلامی پاکستان.

۷ جولای ۱۹۹۲ میلادی. اسلام آباد پاکستان

محل امضاء: برهان الدین ربانی ریس جمهور اسلامی افغانستان.

۷ جولای ۱۹۹۲ میلادی، اسلام آباد پاکستان.»

<http://www.dawatmedia۲۴.com>

د پانو شمیره: له ۳ تر ۵

افغان جرمن آنلاين په درنښت تاسو همکارۍ ته رابولي. په دغه پته له مور سره اړیکه ټينګه کړئ maqalat@afghan-german.de یادونه: دليکنې دليکنيزې بڼې پازوالي د ليکوال په غاړه ده ، هيله من يو خپله ليکنه له راليږلو مخکې په خیر و لولئ

(غوره-شوي-ليکنې/چگونگی-انحلال-اردوی-جمهوری-افغانستان)»

برطبق اسناد دست داشته، ربانی یکی از طیارات نظامی اردوی افغانستان را که چندین میلیون دالر ارزش داشت در مشهد ایران به مبلغ ۴۰۰ هزار دالر فروخت و پول آنرا در حساب شخصی خود وارد کرد. این موضوع از سوی رسانه های اجتماعی و از جمله صدای افغان در فیسبوک نیز گذاشته شده است. حزب همبستگی در فیسبوک خود نوشت: «اسناد فروش غیر قانونی طیاره نه میلیون دالری توپولف ۱۵۴ شرکت اریانا در سال ۱۳۷۹ هـ.ش توسط برهان الدین ربانی) از طریق نماینده اش در ایران انجنیر عبدالرحیم (م شرکت هوا پیمایی کاسپین ایران به قیمت حدود ۴/۵ لک دالر رسانه ای شد، اما نه تنها بازخواستی از سوی دولت صورت نگرفت بلکه ربانی بجای گرفتن لقب طیاره دزد، لقب کاذب "قهرمان صلح" را از طریق حکومت چپاولگران کمایی کرد.»

(<https://www.facebook.com/photos/a.216009965108997>)

ربانی کسی است که در مدت حکومت خود، دست به قتل عام مردم هزاره در افشار کابل و جمال مینه زد. و در دهم ماه دلو ۱۳۷۲، فبروری ۱۹۹۳ در یک روز بیش از چهار هزار مردم هزاره را قتل عام کرد. این جریان سببانه غیر بشری بنام «قتل عام افشار» ثبت صفحات تاریخ و جزئی از راپور های معتبر و مستند مؤسسات حقوق بشرو روزه عدالت گردیده است، که سرافکنندگی آن جنایت بزرگ بدون شک به ربانی و فامیل او میرسد!

با این همه جنایات ربانی در دومین همایش مسعود شناسی در تاریخ ۸ سپتمبر ۲۰۰۳ گفت: «آنانی که میگویند، مجاهدین شهر کابل را خراب کرده، دشمنان مجاهدین و دشمنان اسلام اند.» یکسال بعد از این سخنان ربانی، سیاف نیز در ارتباط به گزارش کمیسیون مستقل حقوق بشر افغانستان، گفت: «کسی که مجاهدین را متهم به جنایت میکند، از دایره اسلام خارج است.» هدف این دیده در ائیها، این است تا مردم کابل زبان شکایت از هرگونه اتهامی علیه آدمکشی و تجاوز تنظیمهای ایشان ببندند؟!

ربانی، کسی است که غرامات جنگی افغانستان را که از سوی ملل متحد و بانک جهانی بالغ به ۸۰ میلیارد دالر برآورد شده بود به رئیس جمهور روسیه آقای پوتین بخشید و تنگ و ابستگی ابدی را بجان خرید، در حالی که این پول توان برپادی و تخریب سرزمین ما و حق مشروع ملت افغانستان بود، و نظر به پروتوکول ها و موافقه های بین المللی و رویداد های مشابه در قرن بیستم، او هرگز اختیار و صلاحیت آنرا نداشت که چنین حاتم بخشی را به بادار خویش، ولادیمیر پوتین بنماید!

آقای داکتر روستار تزه کی تحت عنوان «روسیه و معضله تادیه غرامات جنگ به افغانستان، بُعد حقوقی قضیه» مقاله مفصل و ممتعی در پورتال افغان جرمن آنلاین (۷ اگست ۲۰۰۷) بدست نشر سپرده و در مقدمه آن میگوید: «از ۲۰۰۵ به این سو روسیه تحت تأثیر نوسانات سیاست منطقه و رویای ناتمام پیشروی شوروی سابق در افغانستان گاهگامی موضوع حصول قروض خود به افغانستان را مطرح ساخته است. طرح این موضوع بصورت اتوماتیک قضیه بغرنج تادیه غرامات جنگ را به جانب افغانی تداعی مینماید. حکومت موجود [کرزی] طبق معمول موقف پاسیف در زمینه داشته و نتوانسته از فرصت مای مساعد بدست آمده توجه جانب مقابل را در اینکه طرف افغانی نیز مدعی

چیزی بنام غرامات جنگی است، جلب کند. مضمون رویدست به حلاجی پهلو های حقوقی همین قضیه اختصاص یافته است.»

سپس آقای تره کی موضوع را از لحاظ حقوقی و تاریخی بررسی کرده و ثابت ساخته است که روسیه فدراتیف وارث اتحاد شوروی سابق است و اگر آن کشور به عنوان وارث اتحاد شوروی سابق طالب قروض نظامی خود باشد، افغانستان نیز میتواند غرامات جنگ را از این کشور مطالبه کند. دکتور روستار تره کی در یکجا مینویسد: «مولانا برهان الدین ربانی در ۱۹۹۱ حینیکه وکیل وزارت خارجه حکومت مجاهدین در پشاور بود مسافرتی از راه تهران به شوروی کرد. وی در رابطه به انتقال قدرت از حکومت کمونیست به حکومت مجاهدین موافقتنامه پی را طی ۱۰ ماده با شوروی عقد نمود، که در آن از غرامات جنگ ذکری به میان نیامده بود. بعداً معلوم گردید که ربانی با شوروی روی یک موضوع بنیادی به توافق شفاهی رسیده است و آن انصراف طرف افغانی از مطالبه غرامات جنگ در صورت شناسایی حکومت ائتلافی آینده مسلمان - کمونیست از جانب شوروی است. این همان حکومتی است که با تشکیل آن علیه پلان صلح م، م، م کودتا شد و فصل نو خشونت و جنگ باز گردید که تا کنون ادامه دارد.

شوروی مسئول غرامات جنگ ۱۰ ساله شریک این کودتا شناخته میشود.

در ۱۹۹۲ نماینده حکومت مولانا ربانی در م، م، م که از توافق شفاهی و پنهانی ربانی در رابطه به توان جنگ با شوروی اطلاع نداشت، ضمن بحث پیرامون قضیه افغانستان در مجمع عمومی، مطالبه جبران خسارات جنگ را از شوروی سابق کرد. نماینده شوروی در جواب همین قدر گفت که ما در رابطه با هیأت افغانی به ریاست ربانی قبلاً به توافق رسیده ایم. وقتی مولانا ربانی در رأس اداره کابل قرار گرفت طی یک مصاحبه مطبوعاتی با ژورنالیست ها در کابل، توافق شفاهی گذشته را با شوروی ها تازه کرد و گفت: «مسئولیت جنگ بدوش نظام گذشته شوروی است. حکومت جدید روسیه دارای برائت ذمه است». به این ترتیب نماینده افغانستان در م، م، م از اصل قضیه مطلع ساخته شد. «

http://www.afghan-german.net/upload/Tahlilha_PDF/rosta_taraki_roosia_wa_mazela.pdf

ربانی کسی است که قصد داشت افغانستان را تجزیه کند و بخش شمال کشور را با تاجیکستان یکجا کرده از آن تاجیکستان بزرگ بسازد، ولی این طرح خاینانه او از جانب استخبارات خارجی روسیه فدراتیف، افشاگردید و بر اثر عکس العملهای بین المللی، ربانی از این قصد خود منکر شد. برای ربانی همان بس است که تپه بی بی مهر و بنام او نامگذاری شده و سالانه مبلغ ۶۰۰ هزار افغانی از جیب دولت و از حساب ملت برای تنویر مقبره اش پرداخته میشود. در حالی که سرمایه اش به صدها میلیون دالر میرسید و دربانکهای دویی و کانادا برفرزنداناش ذخیره کرده بود و اکنون فرزندانش با آن پولها عیش و نوش میکنند.

عدالت خداوندی و بشری حکم میکندتا ربانی درگورش محاکمه گردد و استخوانهایش از تپه وزیراکبرخان بیرون و به زادگاهش منتقل گردد، تا چنین محاکمه ای درس تاریخی برای دیگران گردد. پایان

آرشیف: مقالات کانديد اکادميسن سيستاني

د پانو شميره: له ۵ تره

افغان جرمن آنلاين په درنښت تاسو همکارۍ ته رابلو. په دغه پته له مور سره اړیکه ټينگه کړئ maqalat@afghan-german.de يادونه: دليکنې د ليکنيزې بڼې پازوالي د ليکوال په غاړه ده، هيله من يو خپله ليکنه له راليرلو مخکې په خیر و لولئ